



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۵۴-۲۳۷

بررسی اصول و دیدگاه های حکمرانی خوب شهری در راستای تحقق توسعه پایدار

شهری

مطهره صالحی^۱، حبیب الله سالارزهی^{۲*}، عبدالمجید ایمانی^۳

۱-دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش تصمیم گیری و خط مشی گذاری عمومی دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران.

۲-دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران

۳-استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان-زاهدان-ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

چکیده :

تلاش همه جانبه در راستای توسعه شهرها به ویژه در کشورهای در حال توسعه ضرورتی اجتناب ناپذیر در ادامه حیات آنها تلقی گردیده است. تحقق این امر با حکمروایی خوب شهری امکان پذیر خواهد بود. این مفهوم به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی جایگاه ویژه و کلیدی دارد. در حکمروایی خوب شهری تلاش می شود نظام پیچیده امروزی در زمینه مدیریت شهرها بهبود و با اداره مردمی شهر و تقویت نهادهای عمومی، دولتی و خصوصی، دیدگاه ها و نظریه های توسعه پایدار و شهرهای انسان گرا را محقق سازد. تحقیق حاضر، از جنبه هدف، در زمره تحقیقات توسعه ای و کاربردی قرار میگیرد و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه ای و اسنادی بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد ارتباط مستقیم بین پیاده سازی حکمرانی خوب شهری و تحقق توسعه شهری وجود دارد.

کلیدواژه ها: حکمرانی خوب شهری، جامعه مدنی، توسعه پایدار شهری

مقدمه :

واژه حکمروایی از لغات یونانی (Kybernetes و Kybernan) گرفته شده و معنی آن، هدایت کردن، راهنمایی کردن و چیزها را در کنار هم نگه داشتن است؛ در حالی که مفهوم حکومت، دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه‌ی سیاست‌گذاری دارد و برجسته‌تر از اجرای سیاست‌هاست؛ پس می‌توان گفت که واژه حکمرانی، اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم در حوزه اجرا دارد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). حکمرانی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، به یکی از واژه‌های محوری علوم اجتماعی؛ به ویژه در حوزه نظریه سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شده است؛ بنابراین حکمرانی را می‌توان کنش، شیوه یا سیستم اداره دانست که در آن، مرزهای بین سازمان‌ها و بخش عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو می‌شوند. جوهره حکمرانی به وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیروهای غیر حکومتی اشاره دارد (برکپور و اسدی، ۱۳۸۷).

حکمروایی خوب شهری^۱ یکی از چهار مشخصه‌ی توسعه‌ی پایدار و از ابزارهای آن به حساب می‌آید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه، مطرح شده است. بر اساس این مشخصه، کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی و مشارکت اجتماعی در امور، برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشرو را تعریف و تدوین می‌کنند؛ لذا هدف حکمروایی خوب، توسعه انسانی پایدار و در کنار آن، ایجاد شهری پایدار است که در آن، ضمن تأکید بر توجه به کاهش فقر، ایجاد اشتغال و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان، رویکرد فراهم ساختن بستر مناسب جهت مشارکت و اهمیت برنامه‌ریزی مشارکتی برای توسعه و اداره شهر، ایجاد حس شهروندی و شفافیت در برنامه‌ها اهمیت بسیار دارد. در این حکمروایی، شراکت و تعامل میان سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام برنامه‌ها و فعالیت‌ها ضروری و لازم می‌باشد (شکوهی و مؤمنی، ۱۳۹۲). برای آن مک‌الین اولین نظریه‌پرداز است که در سال ۱۹۷۳ مفهوم حکمروایی خوب را مطرح کرد (کاظمیان، ۱۳۸۶). از نظر او، «حکومت شهری» باید نسبت به روندهای تغییر در شهر پاسخگوتر باشد، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آن‌ها متناسب‌تر باشد، نسبت به اجتماع، مسئول و پاسخگوتر و به عنوان بخش مهمی از نظام یادگیری اجتماعی، بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهمی در پیش‌بینی، کشف و استقبال از

¹Good Urban governance

آینده ایفا کند. این فرایندها به وجود شبکه ارتباطات در داخل سازمان‌های رسمی حکومت و نظام‌های برنامه‌ریزی آن؛ همچنین شبکه ارتباطات میان آن سازمان‌ها و اجتماع و نظام‌های شهری آن بسیار متکی است (برک‌پور، ۱۳۸۸) در مجموع، حکمروایی خوب شهری را می‌توان شیوه و فرایند اداره امور شهری با مشارکت و تعامل سازنده سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی؛ به‌منظور نیل به شهر سالم، باکیفیت و قابلیت زندگی بالا و توسعه پایدار شهری تعریف کرد؛ از طرفی باید متذکر شد که موضوع و دغدغه‌ی حکمروایی خوب شهری مدیریت کارآمد نیست؛ بلکه از ابعاد سیاسی مرتبط با دموکراسی، حقوق بشر و مشارکت صرفاً مدنی در فرایندهای تصمیم‌گیری نیز برخوردار است (هابیتات، ۲۰۰۱). از برآیند نظرات مختلف، حکمروایی خوب می‌بایست هفت ویژگی داشته باشد: ۱. پاسخگویی؛ ۲. شفافیت؛ ۳. مشارکت؛ ۴. انصاف و دربرگیرندگی؛ ۵. اجماع‌گرایی؛ ۶. کارایی و کارآمدی و ۷. پیروی از قانون

صدای آسیب‌پذیرترین اقشار اجتماع در تصمیم‌سازی‌ها شنیده شود؛ همچنین، حکمروایی خوب شهری به نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ می‌دهد (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸)؛ در واقع بهترین و جامع‌ترین سند در این زمینه، در مطالعات و بررسی‌های سازمان ملل به چشم می‌خورد؛ زیرا مفهوم حکمروایی شهری در سال‌های اخیر در کانون توجه این سازمان قرار گرفته است. به‌طور مشخص، سازمان ملل در دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه‌های انسانی، در سال ۱۹۹۶ در استانبول، در دستور کار هابیتات بر این نکته تأکید کرده است که در جهت استقرار حکمروایی شهری در شهرهای جهان قدم بردارد. این سازمان، شعار خود را فعالیت‌های جهانی برای حکمروایی شهری خوب، قرار داده است (UnchS, ۲۰۰۰)

هدف از حکمروایی شهری^۱ تقویت فرآیند توسعه شهری است به‌گونه‌ای که در جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به‌تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود. می‌اهداف کلان زیر را برای حکمروایی شهری بیان نمود:

- باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و هماهنگی بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جامعه محلی
 - کاهش فقر و جدایی‌گزینه‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها - افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهر
- همچنین اهداف تبعی که حکمروایی شهری به دنبال آن است عبارت‌اند از:

1- Urban governance

- بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای شهروندان کاهش فساد - حفظ دموکراسی
- ایجاد فرصت و امکان برای مردم به منظور نشان دادن خواسته‌ها و آمالشان در زندگی
- ایجاد امنیت برابری و پایداری (کاظمیان، ۱۳۸۶)

بیان نظری تحقیق :

در اواخر دهه ۱۹۹۰ نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی، سیاستی به نام (حکروایی خوب) را به‌عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. در واقع بعد از شکست برنامه‌ها و سیاست‌های قبلی نهادهای بین‌المللی و ناموفق بودن این برنامه‌ها در دستیابی به توسعه پایدار، در رهیافت‌های جدید توسعه بهسازی حکومت‌ها و توانمندسازی آن‌ها شرط پایداری توسعه در کشورهای درحال توسعه مطرح گردید. پایداری در اصل رسیدن همزمان به اهداف حفاظت محیطی، ثبات اقتصادی و عدالت اجتماعی است. دستور کار اجرای همه‌جانبه مفهوم پایداری را گوشزد می‌کند و به تحول در شیوه‌های سنتی سیاست‌گذاری‌ها و ساختار نظام‌های اداری سیاسی تأکید می‌کند (لاله پور، ۱۳۸۶). حکروایی شهری، پیش شرطی برای توسعه پایدار است. چراکه عدم تمرکز، مدیریت منابع محدود، مشارکت همگانی، شراکت بین شهر، دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی نبرد شهرها برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و پایداری توسعه هستند؛ و این‌ها همگی مستلزم استقرار مدل حکروایی شهری است (کاظمیان، ۱۳۸۳) در چند دهه اخیر، در کشورهای با نظام سرمایه‌داری عملکرد دولت و نارسایی آن در پاسخگویی به نیازهای جدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موردانتقاد متفکران اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. یکی از این نظریه‌ها، نظریه «پرمسئولیت بودن دولت» است. بر طبق این دیدگاه چون دولت‌ها به تدریج وظایف هر چه بیشتری را به عهده گرفته‌اند، از جمله مالکیت عمومی صنایع، کارهای عامل المنفعه و حمل‌ونقل و همچنین خدمات رفاهی و اجتماعی و غیره، مسئولیت‌هایی را کسب کرده‌اند که فراتر از توانایی مالی واداری آن‌هاست و در بسیاری موارد دولت‌ها از عهده انجام دادن آن‌ها برنیاوده‌اند، در نتیجه ناکامی دولت‌ها و کاهش اعتماد و حمایت عمومی نسبت به آن‌ها را سبب شده است (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹)

پستی هیلی در بازنگری نهادی چالش‌های شهری معاصر بیان می‌دارد: «امروزه دیگر مدیریت شهری را نمی‌توان به شکل مدلی از حکروایی بالا به پایین، دستوری و کنترلی قلمداد کرد». حکومت‌های شهری دیگر مثل گذشته نمی‌توانند همان شیوه تفکر پیشین یا کنترل رویدادها را ادامه دهند. تغییرات عمده‌ای از جمله جهانی شدن اقتصادی، رقابت‌های بین شهری و ظهور بخش‌های اقتصادی جهان‌گستر و نهادها و سازمان‌های

بین‌المللی و غیره روی داده است که شهرها را به مقابله با مدیریت شهری واداشته و راه را برای ظهور حکمروایی شهری هموار ساخته است (برک پور و ا سدی، ۱۳۸۸). یک محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع نیازمند ظرفیت مدیریت قابل توجهی است که به نظر می‌رسد حکمروایی شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد (لاله پور، ۱۳۸۶). الگوی حکمروایی خوب در زمان حاضر در مجامع بین‌المللی و محافل کارشناسی تنها راه خروج از بن‌بست فقر و توسعه‌نیافتگی شهرها تلقی می‌شود و مدیریت شهری گریزی از اجرای آن ندارد، زیرا اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت است (ترابی، ۱۳۸۳). نکته دیگری که باید به آن توجه داشت اثر متقابل مدیریت شهری و توسعه پایدار است. باید توجه داشت که اولین و مهم‌ترین مرحله و در واقع تغییری که باید صورت پذیرد تا جریان توسعه پایدار در مسیر خودش قرار گیرد، تغییر در نگاه مدیریت شهری است. مرحله بعدی این چرخه قرار گرفتن امکانات و منابع در خدمت مردم است که در ادامه باعث به جریان افتادن توسعه پایدار می‌شود (لاله پور، ۱۳۸۶).

حکمرانی خوب شهری در واقع یک نظام مدیریت شهری به صورت مشارکتی است که سه نهاد جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت در تمامی تصمیم‌گیریهای مربوطه شرکت میکنند تا بدین وسیله باعث توسعه شهری شوند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲) در زیر به عناصر و کنشگران حکمرانی خوب می‌پردازیم:

دولت

دولت^۱ عامل اصلی برای تسهیل مشارکت است. دولت یک نهاد قوی است که اهمیت و استقلال سایر بخش‌ها را به رسمیت می‌شناسد و آن‌ها را در فعالیتهای خود سهیم می‌کند و موجب توانمندی جامعه می‌شود. دولت به‌عنوان فراهم‌کننده امکانات چارچوب قانونی و نظم سیاسی را فراهم می‌کند که در آن شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند برنامه‌ریزی و عمل کنند. دولت شهروندان را تشویق می‌کند که خطمه‌شی‌ها را موردنقد قرار دهند و در سیاست‌گذاری‌های دخالت کنند و نقش مطالبه‌گری ایفا کنند؛ دولت این‌گونه می‌تواند به شهروندان، شرکت‌ها و سازمان‌ها اطمینان دهد که سیاست‌ها عادلانه هستند و در معرض منافع شخصی مقامات سیاسی قرار نمی‌گیرد.

1-Government

دولت به‌عنوان ارائه‌دهنده منبع با فراهم کردن منابع برای کمک به بازارها و جوامع تسهیل می‌کند. چنین منابعی شامل اطلاعات، تخصص فنی، برنامه‌های تحقیق و توسعه، زیر ساخت فیزیکی و همچنین کمک‌های بلاعوض یا طرح تشویقی است.

دولت محلی

دولت محلی^۱ به‌عنوان بخشی از دولت نقش حیاتی در کمک به دولت ملی در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های خود ایفا می‌کند. دولت محلی بازیگر حقیقی در شکل‌گیری توسعه است. در دولت محلی گروه‌های جامعه مدنی در سطح جامعه می‌توانند مشارکت معناداری در فرآیند تصمیم‌گیری داشته باشند. دولت محلی چارچوب قانونی و نظارتی را تعریف می‌کند، این امر به‌عنوان اساس مشارکت سازمان‌های مختلف و گروه‌ها در حاکمیت جامعه عمل می‌کند.

دولت محلی همچنین یک نظم سیاسی را حفظ می‌کند و منابع لازم مانند تخصص فنی و زیرساخت‌ها را برای گروه‌های مختلف، به‌ویژه برای کسانی که در جایگاه محروم هستند، فراهم می‌کند. دولت محلی نیز به‌عنوان فراهم‌کننده امکانات، فضایی را برای توسعه پتانسیل‌های کامل شهروندان خود فراهم می‌کند که توسط "اهداف فراگیر احترام، حفاظت و تحقق حقوق اساسی بشر برای همه و توانمندسازی همه برای شکل دادن به سرنوشت خود تحت یک نظام که تحقق حقوق اساسی تضمین شده است" هدایت می‌شود. J. (Natividad, 2005)

بانک توسعه آسیایی^۲ همچنین نقش دولت و نقطه عطف کلیدی در حکمرانی را که در جدول زیر نشان داده شده است، تشریح کرد.

1-Local government

2- Asian Development Bank

جدول ۱- وظایف کشورها و مراحل مهم حکومت در دولت

مراحل کلیدی	نقش‌های مدیریت دولتی
<ul style="list-style-type: none"> ➤ اجرای قوانینی که موجب افزایش رقابت اقتصادی ➤ تثبیت تورم و کاهش کسری عمومی ➤ بازار آزاد برای تعیین قیمت کالاها و خدمات خصوصی 	۱. ایجاد یک محیط اقتصادی مساعد
<ul style="list-style-type: none"> ➤ تضمین بقای سیستم‌های بازنشستگی و ایجاد یا حفظ مزایای بیکاری منطقی ➤ حفظ یک سیستم سلامت خصوصی و بیمه اجتماعی ➤ حفظ برنامه‌های کمک اجتماعی برای معلولین و محرومین. 	۲. محافظت از اقشار آسیب‌پذیر
<ul style="list-style-type: none"> ➤ افراد واجد شرایط، شایسته، صادق و واقع‌بینانه را به خدمت عمومی جذب کنید ➤ ایجاد یک سیستم خدمات شهری که متکی بر استخدام و تبلیغات مبتنی بر شایستگی، پاداش مبتنی بر انگیزه و مسیرهای شغلی است که به‌وضوح تعریف شده‌اند. ➤ جذب و حفظ گروه متخصصانی که مسئول تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی و پشتیبانی از آن‌ها با آموزش خوب، درجه مناسب استقلال و ساختارهای پاداش حرفه‌ای هستند. ➤ حفاظت از کارمندان دولت حرفه‌ای در انجام مسئولیت‌های خود ➤ ایجاد یک سیستم خدمات شهری که به‌اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا ارتباط بین بخش‌های دولتی و خصوصی را تسهیل کند. 	۳. بهبود کارایی و پاسخگویی دولت
<ul style="list-style-type: none"> ➤ ایجاد یک محیط سازمانی مساعد متشکل از پارلمان‌های با کارکرد درست، سیستم‌های قضایی و روندهای انتخاباتی 	۴. توانمندسازی مردم و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> ➤ به نیازها و شرایط محلی پاسخ می‌دهد ➤ مرجعیت معنوی، مسئولیت و امور مالی خدمات عمومی در میان سطوح مختلف دولت ➤ تقویت واحدهای زیر ملی از دولت‌ها ➤ احترام به ساختارهای سنتی قدرت و نیز مکانیسم‌های سنتی حل مناقشات و مدیریت اموال عمومی در جامعه 	۵. استفاده از سیستم اجرایی
<ul style="list-style-type: none"> ➤ کاهش نابرابری اجتماعی 	۶. کاهش شکاف بین ثروتمند و فقیر
<ul style="list-style-type: none"> ➤ حفظ هویت و ریشه‌های فرهنگی در حین ترویج همبستگی اجتماعی ➤ اطمینان حاصل کنید که سیستم‌های سیاسی در دسترس همگان قرار دارند و سیستم‌های قانونی از عهده فرصت‌های برابر برخوردارند. 	۷. تشویق تنوع فرهنگی و ادغام اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> ➤ ادغام حسابداری اقتصادی و زیست‌محیطی ➤ ارتقا حقوق درون منطقه‌ای 	۸. محافظت از محیط‌زیست

(ADB, 2005)

جامعه مدنی

جامعه مدنی^۱ متشکل از مجموعه شهروندان و گروه‌های خارج از دولت است که در عرصه عمومی فعالیت می‌کنند، که اغلب به‌عنوان سازمان‌های جامعه مدنی نامیده می‌شود و گاهی اوقات به بخش سوم اشاره می‌شود در دیدگاه وسیع حکومت، سازمان‌های مردمی نقش مهمی را ایفا می‌کنند چراکه در برنامه‌ها درگیر می‌شوند و خدمات را در مناطقی که در آن دولت وجود ندارد و یا جایی که بخش خصوصی به آن علاقه‌مند نیست، ارائه می‌کنند. آن‌ها یکپارچگی سیاسی و اجتماعی را با بسیج کردن و توانمندسازی افراد برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تسهیل می‌کنند. در خود بخش سوم، حکمرانی به‌طور کلی به اعمال توابع حاکم بر افراد مسئول اشاره دارد. در این حالت، یک چشم‌انداز درونی و یک ارتباط درونی برای سازمان‌های بخش سوم است.

چه در بخش داخلی و چه در دیدگاه داخلی، سازمان‌های بخش سوم برای پاسخ به چالش حاکمیت خوب فراخوانده می‌شوند. برای انجام این کار، بخش مدنی باید معانی، مسائل و انتظارات نقش مرتبط با مفهوم حاکمیت را مشخص کند. در حاکمیت محلی، نقشی حیاتی که جامعه مدنی ایفا می‌کند این است که انجمن‌هایی را برای پخش شکایات، نگرانی‌های، مسائل و مشکلات بین مردم فراهم می‌کند. به‌طور خاص، این صدا، صدای مطالبه‌گری را فراهم می‌کند. همچنین نقش سیاسی در جامعه با خدمت به‌عنوان ابزاری برای چک و توازن در قدرت دولت یا دولت محلی و رفتار بخش تجاری انجام می‌دهد. جامعه مدنی به‌عنوان یک ادعای مالکیت اصلی بشر دیده می‌شود. و مهم‌تر از همه، می‌تواند به‌عنوان مکانیزم تحول جایگزین برای خدمات خط مقدم عمل کند.

برخی از سازمان‌های جامعه مدنی در درجه اول در انتقاد از سیاست موجود شرکت می‌کنند و طرفداری آن‌ها از سیاست‌های که برای کشور منفعت‌آور است حمایت می‌کنند. در دولت‌های مستبد که راه‌های دسترسی شهروندان را به تدوین سیاست می‌بندند، برخی گروه‌ها ممکن است مجبور شوند که زیرزمین بروند و برای سرنگونی دولت کار کنند. اما حتی در اغلب کشورهای دموکراتیک، عدم وجود منتقدان که برای تغییر دولت و تغییر سیاست اساسی فشار می‌آورند وجود نخواهد داشت. سازمان‌های غیردولتی هم ممکن است فراتر از مخالفان بروند و در حال رقابت با سیستم تحول خود دولت باشند، که نشان می‌دهند مکانیزم‌های جایگزین که آن‌ها مدافع آن هستند می‌توانند در کشور اجرا شود.

¹ NON Organization Governmental

سایر سازمان‌های جامعه مدنی ممکن است سیستم‌های تحول دولت را با بسیج کردن مردم برای اثبات صلاحیت دریافت خدمات اجتماعی دولت یا ارائه خدمات خود در مناطقی که توسط بوروکراسی عمومی قابل دسترسی نیستند گسترش دهند. برای اینکه بتوانند سیستم ارجاع و ارجاع برنامه‌های نسبتاً کوچک‌تر را در این مناطق اجرا کنند.

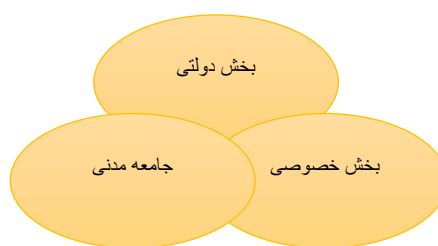
علاوه بر این، جهت‌گیری‌های استراتژیک دیگری نیز جهت مشارکت فعال جامعه مدنی در حکمرانی خوب وجود دارد. به‌طور کلی، این به معنای حمایت از تلاش‌ها برای ارتقای مشارکت بین دولت و جامعه مدنی است.

این‌ها شاید در طراحی، پیاده‌سازی، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها و پروژه‌ها باشند. این امر همچنین می‌تواند به معنای شناسایی مناطقی باشد که جامعه مدنی می‌تواند مکمل یا مکمل تلاش‌های دولت برای ارائه خدمات یا حتی به‌عنوان سازوکارهای جایگزین باشد.

بخش خصوصی

در واقع بخش خصوصی / بازرگانی به‌عنوان موتور جامعه عمل می‌کند. این یک باور مهم در توسعه اقتصادی جامعه است. این امر باعث ایجاد شغل و درآمد برای مردم جامعه می‌شود. به دلیل منابعی مانند تخصص مالی و فنی، می‌تواند به دولت محلی در ایجاد یک برنامه اقتصادی برای جامعه و کمک به اجرای این برنامه کمک کند. همچنین می‌تواند منابع موردنیاز برای دولت فراهم کند تا بتواند پروژه‌های بزرگ و گسترده‌ای را که فراتر از توانایی مالی دولت محلی هستند، دنبال کند. بهره‌وری و اقتصاد خروجی‌های و یا محصولات حاکمیت شرکتی هستند. دولت زمینه‌ی فعالیت را برای کسانی فراهم می‌کند که قادر به رقابت هستند، و توجه خود را به مقررات شبکه‌های امنیت برای کسانی که قادر به انجام این کار نیستند، جلب می‌کند.

در زمینه فن‌آوری اطلاعات، بخش خصوصی می‌تواند به دولت محلی در توسعه فن‌آوری کمک کند که به رشد و توسعه اقتصاد جامعه کمک می‌کند. در این ارتباط، بخش خصوصی می‌تواند به دولت محلی کمک کند تا انتقال فن‌آوری مانند استفاده از سیستم‌های برنامه‌ریزی فضایی و پشتیبانی تصمیم‌گیری برای حاکمیت محلی مؤثر را ارتقا دهد. مشارکت بازار و جامعه مدنی در حاکمیت نقش جدیدی را به دولت اضافه می‌کند و این نقش ایجاد شراکت و ارتباط با این دو بخش است. علاوه بر این، تعامل آن‌ها با دولت، تصویر اجتماعی را از کنترل نخبه به شهروندی فعال تغییر می‌دهد (ADB, 2005).



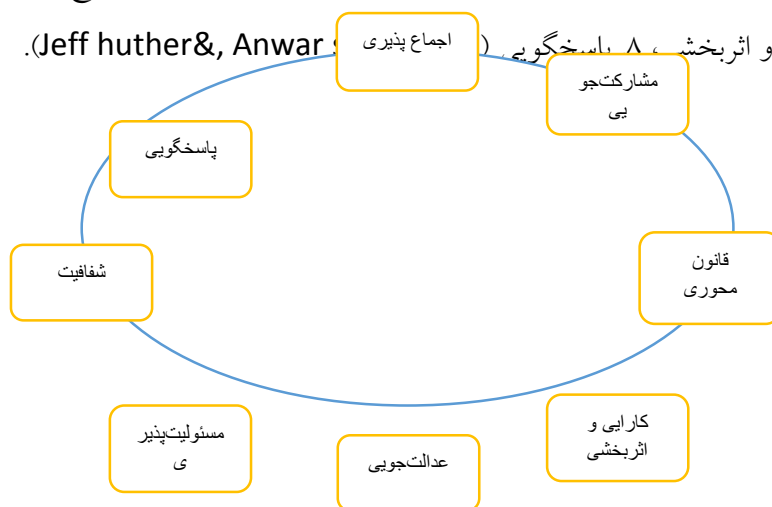
شکل ۱- ابعاد حکمرانی خوب شهری

UNDP(1997)

اصول و ویژگی‌های حکمرانی خوب شهری

یک مبنای اساسی برای تعیین ویژگی‌های حکمرانی خوب شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی مطرح شده است. این شاخص‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. مشارکت، ۲. حاکمیت قانون، ۳. شفافیت، ۴. مسئولیت‌پذیری، ۵. اجماع‌سازی، ۶. عدالت و انصاف، ۷.

کارایی و اثربخشی، ۸. پاسخگویی (Jeff huther&, Anwar اجماع‌پذیری).



شکل ۲- ویژگی‌های حکمرانی خوب شهری

مشارکت. مشارکت حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهارنظر همه افراد جامعه می‌یابد. مباحث مشارکت غالباً به معنی آن نیست که در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی خواهد بود. البته این امر لزوماً به تمایلات، خواسته‌ها و نگرانی‌های تک‌تک افراد جامعه توجه می‌شود بلکه

منظور از آن مشارکت حداکثری است که از طریق سازوکارهای خاص خود تحقق پیدا می‌کند. بنابراین ویژگی اصلی مشارکت همانا آزادی همه مردم در ابراز نظرات و دیدگاه‌های خود است و این امر در مرحله اجرا نیازمند ابزارهای خاصی از جمله رسانه‌های آزاد و نهادهای مدنی مستقل است.

حاکمیت قانون. برقراری نظام حکمرانی خوب به چارچوب‌های قانونی عادلانه و بی‌طرف نیاز دارد. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد مخصوصاً محرومان محافظت شود. اجرای این‌گونه قوانین در یک فضای بی‌طرف و مبتنی بر انعطاف نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است.

شفافیت. شفافیت یعنی جریان آزاد اطلاعات و دسترسی سهل و آسان ذی‌نفعان به اطلاعات باید به اندازه کافی و به‌صورت قابل‌فهم در دسترس باشد و از طرف دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند.

مسئولیت‌پذیری. در حکمرانی خوب نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری در یک چارچوب زمانی منطقی به همه ذی‌نفعان آن خدمات لازم را ارائه می‌دهند. نیل به این هدف تنها زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر نسبت به تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد احساس مسئولیت داشته باشند.

اجماع‌سازی. بسته به تنوع دیدگاه‌های موجود در یک جامعه بازیگران گوناگونی هم در آن وجود خواهند داشت؛ پس، حکمرانی خوب باید منافع و سلايق مختلف را به سمت اجماعی گسترده هدایت کند که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد. این امر مستلزم این است که نسبت به ضروریات توسعه انسانی پایدار و چگونگی دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای چشم‌اندازی بلندمدت و وسیع وجود داشته باشد. این مهم نیز تنها از طریق فهم و درک مفاهیم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه قابل‌دستیابی است.

عدالت و انصاف. در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند. رفاه یک جامعه به تضمین این امر وابسته است که همه اعضای آن احساس کنند در آن جامعه ذی‌نفع هستند. برای تحقق این امر همه گروه‌های آسیب‌پذیر برای افزایش توانمندی‌های خود باید از حمایت‌های لازم برخوردار باشند.

کارایی و اثربخشی. حکمرانی خوب به این معناست که نهادها و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده همیشه نیازهای مردم را در نظر داشته باشند و از منابع موجود به‌صورت کارا استفاده کنند. مفهوم کارایی در ارتباط با حکمرانی خوب به معنی استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست نیز خواهد بود، لذا موضوع بهترین استفاده از منابع با حکمرانی ارتباط مستقیم دارد.

پاسخگویی. پاسخگویی یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذی‌نفع پاسخگو باشند. به‌طور کلی هر نهاد یا سازمان نسبت به کسانی که با تصمیمات آن ارتباط مستقیم دارند، پاسخگو خواهد بود (Ibid).

۲ دیدگاه‌ها و نظریه‌های حکمروایی خوب شهری در راستای تحقق توسعه شهری

نظریه دولت حداقل

حکمروایی را به مفهوم قدرت دادن به بازار و بخش خصوصی می‌داند. حکمروایی بنا بر اقتضای شرایط و نیروهایی که آن را به کار می‌گیرند، می‌تواند به سمت پیچیده‌تر شدن اقتدار حکومت برود یا به سمت بازار و بخش خصوصی حرکت کند. شیوه درست و هنجاری حکمروایی این است که باید بتواند مشارکت و همکاری را میان همه نیروهای مؤثر در مدیریت جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی، بخش عمومی و تشکل‌های مردمی برقرار کند (اطهاری و همکاران، ۱۳۸۶).

دیدگاه مشترکی و مردم‌سالاری در مدیریت شهری

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، تئوری‌های انسان‌گرایانه در شهرسازی مطرح شد. این تئوری‌ها انقلاب مشارکت را به وجود آورد و نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. مردم‌سالاری اغلب براساس شیوه تعریف و برداشت از مشارکت شهروندان ارزیابی می‌شود. براساس نظرات مطرح‌شده درباره مشارکت، الگوهای قدیمی مردم‌سالاری را می‌تواند به نظریه‌های نخبه‌گرا، نظریه‌های مشارکتی و نظریه‌های تکثرگرا که تلفیقی از نظریات نخبه‌گرایی و مشارکتی است، تقسیم‌بندی نمود. مطابق با نظریات نخبه‌گرایی، تنها تعداد اندکی از شهروندان می‌توانند و می‌خواهند از قدرت تصمیم‌گیری در شهرداری استفاده نمایند. مردم‌سالاری از طریق انتخابات ورای گیری آشکار می‌شود و نامزدهای انتخابی در هر شهرداری، نماینده منافع عمومی همه شهروندان می‌باشند و زمانی که قدرت تصمیم‌گیری خود را به کار می‌گیرند قادر به گرفتن تصمیم‌های مناسب هستند، مشارکت فعال خود شهروندان در مورد حکومت موردنیاز نیست. واکنش شهروندان به انتخابات می‌تواند به‌عنوان ابزار سنجش میزان موفقیت تصمیم‌گیران تلقی گردد. به این دلیل، انتخابات برای سیاست‌مداران یک تهدید و احتمال از دست دادن موفقیت به‌دست‌آمده قدرت می‌باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰).

دیدگاه تکثرگرایی سیاسی و رشد جامعه مدنی و توزیع قدرت

اندیشه تکثرگرایی، تاریخی طولانی و پربار در اندیشه سیاسی آمریکا دارد و ریشه‌های آن را می‌توان در نظریه‌ها و نوشته‌های رابرت دال جامعه‌شنای آمریکا ملاحظه کرد. دال تکثرگرایی را از یک پارادایم به سوی یک نظریه پخته در عرصه سیاست‌های شهری هدایت کرد دال نظریه خود را به آزمون می‌گذارد و کمابیش نظریه وی تأیید گردید. تعدادی بسیاری از مطالعات در دهه ۱۹۶۰ به‌طور کلی نظریه دال را تأیید می‌کنند. این تجربه در آمریکا و سایر کشورها خصوصاً بانک جهانی و سازمان ملل را به این رهنمون کرد که تکثرگرایی یکی از پیش شرط‌های توسعه است زیرا از تمرکزگرایی و اعمال قدرت مستقیم و یک‌جانبه از طرف عده‌ای اقلیت جلوگیری می‌کند (اکبری، ۱۳۸۶).

مدیریت شهری یکپارچه: رویکرد مقابله با تفرق عملکردی

مک گیل بحث درباره مدیریت شهری یکپارچه را از نقل قول ویلیامز در دهه ۱۹۷۰ درباره طیف بازیگران مطرح در فرآیند مدیریت شهری آغاز می‌کند؛ و در انتها به نتیجه می‌رسد که حکومت محلی یا حکومت شهری به‌عنوان اجرایی‌ترین سطح حکومت باید نیروی پیش‌رانده شده اصلی در مدیریت شهری باشد و به گفته وی، ویلیامز نخستین کسی است که موضوع و مفهوم یکپارچگی در مدیریت شهری را در اواخر دهه ۱۹۷۰ مطرح کرد. در آن زمان دو تن از محققان، مدیریت شهری را به‌عنوان شکلی از حق‌العمل‌کاری معرفی کردند. به عقیده آنان مدیریت شهری عبارت است از توزیع منابع از طریق دست‌کاری قدرت است. در این معنا مدیریت شهری، واسطه بین بوروکراسی (دستگاه اداری) و جامعه است. دستگاه اداری منابع را در اختیار دارد و جامعه نیازمند این منابع در قالب زیرساخت‌ها و خدمات است. مک گیل سه بعد کلیدی را به‌عنوان اجزای سازنده تعریف مفهوم و رویکرد مدیریت شهری می‌داند این سه بعد که منجر به درک ما از مدیریت شهری به‌عنوان رویکرد کل‌نگر می‌گردد در قالب سه حوزه مداخله و تغییر تعریف می‌شود که باید در هر سه به‌نوعی یکپارچه‌سازی پرداخت تا مدیریت شهری کل‌نگر تحقق یابد این سه حوزه عبارت‌اند از: یکپارچه سازی برنامه‌ریزی شهری، یکپارچه سازی تأمین زیر ساخت‌ها و یکپارچه سازی نهادی و سازمانی (McGill, ۱۹۹۸).

رویکرد مقابله با تفرق و تکثر منابع

تا دهه ۱۹۸۰ که عصر غلبه دیدگاه کل‌ارگانیک از سازمان جامعه است فرض غالب این بود که حکومت‌ها واجد اقتدار و ظرفیت کافی برای اداره و حکومت هستند و توان صورت‌بندی و اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف توسعه را دارند. ترجمان این تعریف در زمینه شهری، رویکرد دولت‌مدار در توسعه است که تلویحاً به

این معنی است که سازمان‌های بخش عمومی به‌تنهایی می‌توانند انواع برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و منطقه‌ای را به انجام برسانند. در چنین تلقی از جامعه تنها بر سر ارزش‌ها و منافع وجود ندارد و جامعه و کارشناسان و کارگزاران برنامه‌ریزی به درک واحدی از مسئله، اهداف و منافع عمومی رسیده‌اند. ارزش‌های مسلط در این دیدگاه، متخصصان و محافظه‌کاران هستند که هرگونه ماهیت سیاسی فعالیت برنامه‌ریزی را انکار می‌کنند. در مقابل این نظریه، نظریه تکثرگرا از سازمان و ساختار اجتماعی قرار دارد که مطابق آن دولت و متخصصان تنها بخشی از ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند. در این دیدگاه عوامل بخش عمومی، بخش خصوصی، تشکلهای غیردولتی، افراد و خانوارها هر یک صاحب نفع و دید متمایزی پنداشته می‌شوند که باید جایگاه مشخصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیدا کنند. چنین طرز تلقی از سازمان جامعه به شیوه حکومت حکمروایی متفاوتی می‌انجامد که در آن حکومت‌های رسمی تنها بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری محسوب می‌شوند و نه تنها به‌تنهایی فاقد ظرفیت اداره و حکومت هستند بلکه در یک جامعه دموکراتیک صلاحیت و مشروعیت آن را نیز ندارند. در نظریه جدید، تصمیم‌گیری امری جمعی قلمداد می‌شود که باید با حضور کلیه گروه‌های درگیر صورت گیرد. اشاعه مفهوم حکمروایی و حکمروایی خوب در طول دهه ۱۹۸۰ به بعد در راستای این تلقی و نظریه تکثرگرایانه از ساختار و سازمان اجتماعی و کاستن از تفرق موجود در بین گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه قابل تبیین است (برک پور، اسدی، ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق:

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در برنامه‌های توسعه و توسعه شهری، توجه فزاینده‌ای به رویکرد مدیریت شهری صورت گرفته است تا جایی که آن را زیربنای موفقیت میداند (فرزید،

۱۳۹۵)

پرهیزدار و فیروزبخت (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که تغییر نظام مدیریت شهری تمرکزگرا به سوی نظام مدیریت غیرشهری متمرکز، ناگزیر باید بر اساس رویکرد توسعه پایدار شهری باشد.

یوساف و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند که اعتماد شهروندان با رفتار بخش عمومی تأثیر معنی داری دارد و همچنین اخلاق و فرهنگ در حکمرانی خوب باعث اعتماد شهروندان و بهبود مدیریت شهری

میشود

حسینی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که بین ویژگی های مدیریت شهری مطلوب و حکمرانی خوب شهری و بین ویژگی های مدیریت شهری مطلوب و توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به پیشینه و ادبیات تحقیق چنین می توان استنباط کرد که حکمرانی خوب شهری در واقع یک نظام مدیریت شهری به صورت مشارکتی است که سه نهاد جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت در تمامی تصمیم گیریهای مربوطه شرکت میکنند تا بدین وسیله باعث توسعه شهری شوند.

روش تحقیق :

تحقیق حاضر، از جنبه هدف، در زمره تحقیقات توسعه ای و کاربردی قرار میگیرد و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه ای و اسنادی بوده است. کاربردی بودن این پژوهش میتواند ارائه دهنده روشهای قابل استفاده در توسعه پایدار شهرها باشد و استفاده از نتایج این تحقیق و بررسیهای انجام شده باعث بهبود شرایط موجود و ارائه راه حل های مفید در اینگونه موضوعات گردد.

نتیجه گیری :

مدیریت شهری و به تبع آن مدیران این حوزه، وظایف جدیدتری و پیچیده تری در عصر جدید خواهند داشت و در چنین شرایطی جمعیت شهرنشین توقعات جدیدی از دولت ها خواهند داشت ؛ از این رو اداره جامعه شهری تنها با ابزار و شیوه های سنتی امکان پذیر نخواهد بود و بوروکراسی اداری، سرعت در تصمیم گیری و ابلاغ سریع آن را ندارد. الگوی حکمرانی خوب شهری برای رفع چنین مشکلات و چالش هایی، الگوهای متعدد ارائه کرده است، برای گذر از معضلات مدیریت مناطق شهری، نیاز به درک معنای حکمرانی خوب و توسعه مکانیسم های در ارتباط با آن هستیم. حکمرانی خوب شهری بر نحوه تعامل دولت ها و سایر سازمان های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات تمرکز داشته و فرآیندی است که از طریق آن، جوامع و سازمان ها تصمیمات خود را اتخاذ می کنند؛ ساختار مدیریتی یک شهر نشان دهنده وضعیت حاکمیت کشور در مقیاسی کوچکتر است و در افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی جامعه تاثیر مستقیم دارد. در واقع الگوی حکمرانی خوب شهری با مفهوم توسعه پایدار رابطه نزدیکی دارد و دارای ویژگی های مشترکی مانند شهروندمداری، مسئولیت پذیری و اثربخشی است؛ در

حکمرانی خوب شهری، در کشورهای در حال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی و مشارکت اجتماعی، برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشرو را تعریف و تدوین می‌کنند در حکمروایی خوب شهری چند نکته قابل توجه است و آن‌هم تأکید بر توجه به کاهش فقر، ایجاد اشتغال و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان، فراهم ساختن بستر مناسب جهت مشارکت در توسعه و اداره شهر، ایجاد حس شهروندی و نیز شفافیت در برنامه‌ها نیز اهمیت بسیار دارد.

منابع:

- ۱) اکبری، غلامرضا. ۱۳۸۶. سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی
- ۲) اطهاری، ک.، برکپور، ن.، کاظمیان، غ. و مهدیزاده، ج. ۱۳۸۶. حکمروایی شهری مبانی نظری و ضرورت شکل‌گیری آن در ایران (گفتگو)، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹-۱۷، ص ۸-
- ۳) برک پور، ناصر. و اسدی، ایرج ، ۱۳۹۰، مدیریت و حکمروایی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه هنر، ص ۱۰۲
- ۴) برک پور، ناصر و ایرج اسدی، ۱۳۸۷، نظریه های مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات معاونت پژوهشی، دانشگاه هنر ، تهران
- ۵) پرهیزدار، اکبر و علی فیروزبخت ، ۱۳۹۰، چشمانداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری، جغرافیای سرزمین، سال هشتم، شماره ۶۶: ۳۲-۴۳
- ۶) تقوایی، علی اکبر و رسول تاجدار، ۱۳۸۸، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی ، فصلنامه مدیریت شهری، تهران، شماره ۲۹
- ۷) ترابی، علیرضا، ۱۳۸۳، مدیریت پایدار شهری در گرو حکمروایی خوب، نشریه شهرداری ها، تهران ، شماره ۶۹
- ۸) حسینی، سیدعلی، یاسر قلی پور و محدثه باقری ثانی ، ۱۳۹۴ تحلیل رابطه ی مدیریت شهری و حکمرانی خوب شهری و ارتباط آن با توسعه پایدار شهری، کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایدار با رویکرد انسان و محیط، اردبیل

- ۹) رهنمایی، محمد تقی . و کشاورز، مهناز، ۱۳۸۹، بررسی الگوی حکمروایی خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره امور شهرها در ایران، مجله جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ص ۵۶-۲۳
- ۱۰) زیاری، کرامت اله، وحید نیک پی و علی حسینی ، ۱۳۹۱، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حمرانی خوب شهری ، مسکن محیط روستا ، سال ۳۲، شماره ۱۴۱، ۸۶-۶۹
- ۱۱) شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۰، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۸
- ۱۲) شکوهی، محمداجزا. میترا مومنی. ۱۳۹۲. بررسی میزان آگاهی شهروندان از خدمات رسانی شهرداری و تاثیر آن بر مشارکت در محله ها شمیه شهر مشهد، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، اسفندماه ۱۳۹۲، تهران
- ۱۳) فرزبد، امیرحسین، ۱۳۹۵، سرمایه اجتماعی و کارکرد آن در توسعه و مدیریت شهری، روزنامه شهرآرا، مشهد
- ۱۴) کاظمیان، غلامرضا، ۱۳۸۶، درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، نشریه جستارهای شهرسازی، تهران شماره ۱۹ و ۲۰
- ۱۵) کاظمیان، غلامرضا، ۱۳۸۳، تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان یابی فضایی، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۶) لاله پور، منیژه. ۱۳۸۶، حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹، ص ۷۱-۶۰
- ۱۷) هاشمی، سید مناف، رفیعیان، مجتبی و حسین پور، سید علی، ۱۳۹۰، سیاستهای مدیریت شهری در کشورهای مختلف (رویکرد راهبردی- فراتحلیلی- یکپارچگی شهری)، نشر طحان، چاپ اول
- 18) *Anwar Shah & Jeff huther.2006, Local Governance in Developing Countries (Public-sector Governance and Accountability). Washington DC: World Bank Publications*
- 19) *Asian Development Bank .2005, Country Governance Assessment*
- 20) *Asian Development Bank. 2005, Governance: Sound Development Management*

- 21) **J. Natividad. 2005, *Rights-Based Philippine Governance Review, DAP***
- 22) **McGill. R. 1998, *Urban Management in Developing Countries, Cities, 15(6): 458- 471***
- 23) **Yousaf, M. Ihsan, F. & Ellahi, A. 2016, “Exploring the impact of good governance on citizens' trust in Pakistan”, *Government Information Quarterly, Vol.33, No.1: 200-209***
- 24) **Unchs. 2000, *Norms for Good Urban Governance, www. UNCHS .org progress in achieving good urban governance. www. Un habitat. Org***
- 25) **United Nations Development Program (1997), *Governance & Sustainable Human Development. A UNDP Policy Document.***